



## رابطه کنترل عواطف با گرایش به خودکشی در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر کرج

فریدون باقری خاتون آبادی<sup>۱</sup>، مهدی منوچهری<sup>۲</sup>، محمد حکمی<sup>۳</sup>

۱- کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد واحد کرج f.bagheri2005@yahoo.com

۲- دکتری روان شناسی سلامت، دانشگاه آزاد واحد کرج Manochehri57@yahoo.com

۳- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج mohammadhakami@yahoo.com

### چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی رابطه بین کنترل عواطف با گرایش به خودکشی در دانش آموزان دختر انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش که به صورت دختر دبیرستانی انتخاب شدند؛ روش نمونه گیری در این پژوهش از نوع خوشه ای چند مرحله ای می باشد، که ۲۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسش نامه کنترل عواطف و مقیاس گرایش به خودکشی استفاده شد. برای تحلیل داده های پژوهش علاوه بر آمار توصیفی، روش های آماری تحلیل رگرسیون همزمان به کار برده شد. نتایج نشان داد که بین کنترل عواطف و گرایش به خودکشی رابطه معنا داری وجود دارد.

کلمات کلیدی: کنترل عواطف، گرایش به خودکشی

Archive



## مقدمه

همه ما در طول زندگی احساس تنهایی، افسردگی، بی کسی و ناامیدی را تجربه می کنیم. مرگ یکی از عزیزان، شکست در برقراری ارتباط از جمله مواردی هستند که اعتماد به نفس ما را تحت تأثیر قرار داده و احساس بی ارزشی را در ما به وجود می آورند. از آنجایی که ساختار هیجانی و تربیتی هر شخص منحصر به فرد می باشد، در شرایط مختلف پاسخ های متفاوتی می دهد. در تشخیص اینکه آیا فردی واقعاً گرایش و قصد خودکشی دارد یا خیر، باید موقعیت بحرانی وی به دقت بررسی گردد. پدیده ی پیچیده خودکشی در طول قرن ها مورد توجه فیلسوفان، جامعه شناسان، روان شناسان، روان پزشکان و هنرمندان بوده است. هر کدام از این افراد تلاش می کردند این پدیده را از دیدگاه خاص خود توصیف و تبیین کنند. بر اساس نظر کلی (۱۹۶۱) خودکشی به عنوان عملی در جهت اعتبار بخشی به زندگی و یا رها کردن همه چیز، تفسیر می شود. در این دیدگاه، خودکشی به دلیل جبرگرایی یا اضطراب کامل و افسردگی اتفاق می افتد. زیرا جریان رویدادها چنان روشن است که تنها کار ممکن رها کردن صحنه به طور کامل است (حسن زاده، ۱۳۸۹). عوامل بسیار زیادی می توانند باعث افزایش خطر اقدام به خودکشی در میان جوانان گردند؛ این عوامل خطر در سطوحی از کمترین میزان خطر تا بیشترین آن در طبقه هایی مانند عوامل فردی، خانوادگی، جمعیت شناختی، عوامل محیط اجتماعی و تنیدگی های روزانه جای داده می شوند. از جمله عواملی که می تواند از عوامل گرایش به خودکشی به حساب آید کنترل عواطف می باشد؛ افرادی که افکاری در مورد خودکشی دارند، علامت های رایج افسردگی، اضطراب و مشکلات مهار کردن مزاج را نیز نشان می دهند. عواطف به عنوان ایجاد کننده انگیزه انسان را به جلو هدایت کرده و باعث پرورش همه ابعاد وجودی انسان می شود (کیومرثی، نقل از دهش، ۱۳۸۸). احساسات و عواطف جزء جدایی ناپذیر از زندگی انسان ها هستند و باعث رشد و پرورش ما در زندگی می شود (رابینسون<sup>۱</sup>، نقل از دهش، ۱۳۸۸). افراد و از جمله نوجوانان باید بیاموزند که چگونه عواطف خود را در موقعیت های مختلف تشخیص دهند و آن را ابراز و کنترل نمایند. بنا بر این کنترل عواطف یعنی این که فرد بیاموزد که چگونه عواطف خود را در شرایط گوناگون تشخیص داده و آن را درست ابراز نماید (خدایاری فرد، ۱۳۸۸؛ نقل از طهماسبیان، ۱۳۹۱). چهار خرده مقیاس کنترل عواطف شامل خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت می باشد. اضطراب معمول ترین پاسخ به محرک تنش زا است منظور از اضطراب هیجانی است ناخوشایند که همه ی ما در جاتی از آن را در قالب کلمه هایی مثل نگران، تنش و ترس تجربه کرده ایم (اتکینسون<sup>۲</sup>، ۱۳۹۰). همچنین خشم یک پاسخ هیجانی شدید به محرومیت و تحریک شدگی است که با افزایش بر انگیزتگی خودکار و تغییر فعالیت سیستم عصبی مرکزی مشخص می شود (دهش، ۱۳۸۸، به نقل از اسدی ، ۱۳۸۹). عاطفه مثبت به حالت کلی احساس خوب روزمره اشاره دارد عاطفه مثبت احساس شادابی و طراوتی است که اغلب با تجربیات روزمره همراه است (ریو، ترجمه سید محمدی ، ۱۳۹۰). مطالعه و بررسی کنترل عواطف از دو جنبه حائز اهمیت است اولاً تعداد زیادی از انسان ها از عدم کنترل هیجانات خود رنج می برند چرا که مهارت کنترل عواطف را نیاموخته اند. دوما ناتوانی افراد در کنترل هیجانانشان بر بسیاری از جنبه های زندگی اعم از شخصی ، خانوادگی و هم چنین کاری و سلامت جسمانی و روانی؛ ارتباطات و کیفیت زندگی افراد در جوامع مختلف تاثیر می گذارد (مارتین<sup>۱</sup> و همکاران؛ ۲۰۰۷) کنترل خشم و تمرین های دراز مدت در این زمینه اثرات مثبتی بر بهزیستی روان شناختی فرد می گذارد به طوری که این امر باعث افزایش حل مساله، کاهش پرخاشگری، افسردگی، اضطراب و استرس و سلامت روانی آنان می گردد و بهزیستی روان شناختی را در آنان بهبود می بخشد (اکبری زرد خانه و همکاران، ۱۳۹۲). بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است: آیا کنترل عواطف با گرایش به خودکشی رابطه دارد؟

فرضی های پژوهش شامل:

<sup>1</sup>- Robinse

<sup>2</sup>- Atkinson

<sup>1</sup> - Martin



بین کنترل عواطف با علاقه به مرگ در دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد.  
 بین کنترل عواطف با علاقه به زندگی در دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد.  
 ابزار موزد استفاده در پژوهش حاضر شامل:

مقیاس کنترل عواطف برای سنجش میزان کنترل افراد بر عواطف خود و شامل ۴۲ سوال با چهار زیر مقیاس فرعی با عناوین خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت است. مقیاس نمره گذاری به صورت لیکرت می باشد که فرد در هر پرسش میزان موافقت خود را در یک مقیاس ۷ درجه ای اعلام می دارد. نتایج همسانی درونی پرسش نامه با محاسبه آلفای کرونباخ نشان می دهد مقیاس کنترل عواطف از همسانی درونی معتبری برخوردار است. همبستگی آزمون در بین خرده مقیاس های آزمون و بین سوالات پرسشنامه در سطح اطمینان ۰/۰۱ معنا دار است. (طهماسبیان و همکاران، ۱۳۹۱) کسانی که در این مقیاس نمره بالاتری کسب نمایند مهارت کمتری در کنترل عواطف خود دارند. ضریب پایایی محاسبه شده برای این پرسش نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۸۴ گزارش شده است. ابزار دیگری که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت، پرسش نامه گرایش به خودکشی (MAST) می باشد؛ این مقیاس یک ابزار با ۳۰ عبارت است که برای سنجش میزان گرایش به خودکشی در میان نوجوانان طراحی شده است. این مقیاس بر این فرض استوار است که رفتار خودکشی حول اختلافی اساسی در میان رویکرد های مربوط به مرگ و زندگی اتفاق می افتد. تحلیل عامل چهار زیر مقیاس را نشان داد که به این اختلافات مربوط می شوند: زیر مقیاس علاقه به زندگی، زیر مقیاس نفرت از زندگی؛ زیر مقیاس علاقه به مرگ، زیر مقیاس نفرت از مرگ. با توجه به فراوانی بالای رفتار خودکشی در میان نوجوانان، این مقیاس برای ارزیابی و کنترل تغییرات مربوط به گرایش به خودکشی اهمیت زیادی دارد. در این مقیاس به گزینه 'کاملاً مخالفم' نمره ۱ و 'مخالفم' ۲ و به 'تا حدی موافقم' ۳ و 'موافقم' ۴ و به 'کاملاً موافقم' ۵ داده می شود. محاسبه نمره در این ابزار بدین صورت است که کل نمرات عبارات مربوط به هر زیر مقیاس با هم جمع می شود و بر تعداد عبارات آن زیر مقیاس تقسیم می شود. استفاده از نمره کل توصیه نمی شود. روایی این پرسش نامه از نظر متخصصان مورد قبول اعلام شده است؛ پایایی گزارش شده برای این پرسش نامه در زیر مقیاس علاقه به زندگی ۰/۸۱۸ و علاقه به مرگ نیز ۰/۸۳۹ گزارش شده است. شیوه تجزیه و تحلیل داده ها از طریق تحلیل رگرسیون به شیوه ورود (همزمان) می باشد.

میانگین گزارش شده برای گرایش به خودکشی در زیر مقیاس علاقه به زندگی برابر با ۴۳/۵۶ می باشد؛ و در مورد زیر مقیاس علاقه به مرگ، (۳۱/۴۷) می باشد؛ میانگین آزمودنی ها در زیر مقیاس خشم (۳۱/۲۹)، خلق افسرده (۲۹/۵۱)، اضطراب (۴۷/۷۷) و عاطفه مثبت (۴۳/۹۱)؛ از طرفی پیش فرض های مورد استفاده برای تحلیل رگرسیون نیز مورد قبول گزارش شده اند.

جدول ۱- مدل همبستگی متغیرها و ضرایب بتا تحلیل رگرسیون با روش ورود (همزمان)

متغیرهای وارد شده در مدل	R	R <sup>2</sup>	B	انحراف استاندارد	ضرایب استاندارد شده متغیرها (Beta)	t	سطح معنی داری
			۳۸/۷۳	۳/۹۴		۹/۸۱	۰/۰۰
خشم	۰/۱۴۶		۰/۱۲۵	۰/۱۴		۱/۱۷	۰/۲۴۳
خلق افسرده	۰/۲۶۴	۰/۰۶۹	-۰/۲۱۸	۰/۱۰۹	-۰/۲۴۷	-۲	۰/۰۴۸
اضطراب	۰/۰۲۷		-۰/۰۲۷	۰/۰۸۹	-۰/۰۴۴	-۰/۳۰۶	۰/۷۶
عاطفه مثبت	۰/۱۸۲		۰/۱۸۲	۰/۱۱۱	۰/۲۰۳	۱/۶۴	۰/۱۰۴

جدول ۱ نشان می دهد ضریب بتا برای متغیر خشم در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست ( $\beta = ۰/۱۴$ ،  $P > ۰/۰۵$ )؛ ضریب بتا برای متغیر خلق افسرده در سطح ۰/۰۵ معنا دار می باشد ( $\beta = -۰/۲۴۷$ ،  $P < ۰/۰۵$ )؛ ضریب بتا برای متغیر اضطراب در



سطح ۰/۰۵ معنا دار نمی باشد ( $P > 0.05$ ,  $\beta = -0.044$ )؛ همچنین ضریب بتا برای متغیر عاطفه مثبت در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی باشد ( $P > 0.05$ ,  $\beta = 0.203$ )؛ بر این اساس می توان گفت متغیر خلق افسرده پیش بینی کننده ی قوی برای علاقه به زندگی است لیکن متغیرهای خشم، اضطراب و عاطفه مثبت پیش بینی کننده های قوی برای علاقه به زندگی نمی باشند. به بیان دیگر می توان گفت: با کاهش یک انحراف استاندارد در "متغیر خلق افسرده" به اندازه ۰/۲۴۷ انحراف استاندارد از علاقه به زندگی پیش بینی شده دانش آموزان دختر کاسته می شود. چنانکه ملاحظه می شود، در پیش بینی "علاقه به زندگی" دانش آموزان دختر، متغیرهای "خلق افسرده" نقش کاهشی دارد که البته (در تفسیر نمره گذاری کنترل عواطف بیان شده است که نمره بالا در کنترل عواطف برابر است با کاهش توانایی کنترل عواطف؛ به بیان دیگر کاهش نشان داده شده در پژوهش حاضر حاکی از آن است که کاهش کنترل عواطف در زیر مقیاس خلق افسرده با افزایش علاقه به زندگی در ارتباط است). همچنین مقدار  $R^2$  برابر با ۰/۰۶۹ است و نشان می دهد که ۶/۹ درصد واریانس یا تفاوت های فردی در علاقه به زندگی در دانش آموزان دختر مربوط به واریانس یا تفاوت های فردی در متغیرهای خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت است.

فرضیه دوم: بین کنترل عواطف و علاقه به مرگ در دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد.

جدول ۲ مدل همبستگی متغیرها و ضرایب بتا تحلیل رگرسیون با روش ورود (همزمان)

متغیرهای وارد شده در مدل	R	$R^2$	B	انحراف استاندارد	ضرایب استاندارد شده متغیرها (Beta)	t	سطح معنی داری
عاطفه مثبت			-۰/۱۴۸	۰/۱۱۰	-۰/۱۴۱	-۱/۳۴	۰/۱۸۱
اضطراب			۰/۳۷۴	۰/۰۸۸	۰/۵۱۳	۴/۲۴	۰/۰۰۰
خلق افسرده	۰/۵۷۷	۰/۳۳۳	۰/۲۸۰	۰/۱۰۸	۰/۲۷۱	۲/۵۸	۰/۰۱۱
خشم			۰/۱۵۹	۰/۱۲۴	-۰/۱۳	-۱/۲۸	۰/۲۰۱
عاطفه مثبت			۱۶/۸۴	۳/۹		۳/۴	۰/۰۰

جدول ۲ نشان می دهد که ضریب بتا برای متغیر خشم در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی باشد ( $P > 0.05$ ,  $\beta = -0.13$ )؛ ضریب بتا برای متغیر خلق افسرده در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی باشد ( $P > 0.05$ ,  $\beta = 0.271$ )؛ همچنین ضریب بتا برای متغیر اضطراب در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد ( $P < 0.01$ ,  $\beta = 0.513$ )؛ همچنین ضریب بتا برای متغیر عاطفه مثبت در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی باشد ( $P > 0.05$ ,  $\beta = -0.141$ )؛ بر این اساس می توان گفت تنها متغیر خلق افسرده و اضطراب پیش بینی کننده ی قوی برای علاقه به مرگ می باشند. به بیان دیگر با افزایش یک واحد انحراف معیار به نمره های خلق افسرده و اضطراب، به ترتیب، ۰/۲۷۱ و ۰/۵۱۳ به نمره علاقه به مرگ افزوده می شود (نکته قابل ذکر در این بخش آن است که نمره بالا در کنترل عواطف نشان از کنترل پایین روی عواطف می باشد). همچنین مقدار  $R^2$  برابر با ۰/۳۳۳ است و نشان می دهد که ۳۳/۳ درصد واریانس یا تفاوت های فردی در علاقه به مرگ در دانش آموزان دختر مربوط به واریانس یا تفاوت های فردی در متغیرهای خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت است.

نتیجه گیری:

در مورد فرضیه اول پژوهش، نتایج نشان دادند که خلق افسرده با علاقه به زندگی رابطه معنا داری دارد؛ این نتیجه با نتایج پژوهش های این نتیجه با گزارشاتی که از سوی پژوهشگرانی چون توکلی و همکاران (۲۰۱۵)؛ ویر (۲۰۱۵)؛ لیرسنیدر و همکاران (۲۰۱۵)؛ همسو می باشد بطوری که، توکلی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود، رابطه بین کنترل عواطف با



بهزیستی روان شناختی و افسردگی را معنی دار گزارش نموده اند. دویر (۲۰۱۵) نیز وجود رابطه معنی دار بین مدیریت هیجان و بهزیستی روان شناختی و افسردگی را گزارش می کند. لیرسنیدر و همکاران (۲۰۱۵) در نتایج پژوهش خود گزارش نموده اند که رابطه بین کنترل عواطف و افسردگی و بهزیستی روان شناختی معنی دار است. رابطه بین عواطف مثبت با بهزیستی روان شناختی و سلامت روان را معنی دار گزارش می کنند. لین لی و جوزف (۲۰۰۴) در تحقیقات خود آموختن مدیریت هیجان را به جوانان مورد تاکید قرار داده و تاثیر آن را در خود آگاهی، داشتن رابطه سالم، سلامت جسمانی، سلامت روانی و عاطفی اذعان کردند. در مورد فرضیه دوم نیز نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان دادند که، خلق افسرده و اضطراب با علاقه به مرگ رابطه معناداری دارد؛ این نتیجه با نتایج پژوهشگرانی مانند کروول و همکاران (۲۰۱۲)، یانگ (۲۰۱۲)، موران و همکاران (۲۰۱۱)، ثقة الاسلام و همکاران (۱۳۸۵) همسو می باشد. کروول و همکاران (۲۰۱۲) در نتیجه پژوهش خود عنوان می دارند که، شیوع بالای مشکلات روان شناختی به ویژه افسردگی در نوجوانانی که خودکشی می کنند، به اثبات رسیده است. یانگ (۲۰۱۲) نیز به بررسی علل متعدد و موثر در خودکشی و خودکشی دختران پرداخته است؛ نتایج این پژوهش نشان می دهد که میل به استقلال و فردگرایی، گریز از بدنامی اجتماعی و مشکلات روانی به عنوان عوامل گرایش به خودکشی در نوجوانان دختر می باشد. مطالعات موران و همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان می دهد که نسبت بالایی از دختران نوجوانی که اقدام به خودکشی داشته اند، گرایش بیشتری به رفتارهای پرخطر دارند. لینو همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که گرایش به خودکشی با عملکرد پایین تحصیلی، افسردگی، گرایش به رفتارهای پرخطر و سابقه کودک آزاری قبلی در نوجوانان اقدام کننده به خودکشی بیشتر است. مطالعات ثقة الاسلام، رضایی و شاه بیگی (۱۳۸۵) هم نشان داد که حتی در ۶ تا ۱۲ سالگی، وجود عامل تنش زا، خانواده گسسته و مشکلات تحصیلی از علل اقدام به خودکشی می باشد. در کل می توان چنین گفت که، رضایت پایین از زندگی، بروز اتفاق ناراحت کننده و عدم کنترل آن توسط افراد و به تبع آن برداشت منفی از آن توسط فرد و ناراحتی بسیار شدید از بروز چنین اتفاقی، باعث افزایش میل به خودکشی در دختران نوجوان می شود. البته ماهیت این اتفاق ناگوار گر چه از اهمیت برخوردار هستند، اما واقعیت آن است که نوع برداشت و تحت کنترل بودن آن توسط نوجوان به گونه ای است که ارزش کلی زندگی، خود و دیگران به شدت کاهش می یابد و همین امر وی را به سمت نیستی و فنای خود سوق می دهد؛ ضمن این که این اتفاق ناگوار ممکن است در جمع دوستان نیز باشد؛ به گونه ای که مثلا دختر نوجوان تجربه طرد یا تحقیر شدیدی را در جمع دوستان داشته، یا یکی از دوستان خود را از دست بدهد و یا فوت یا خودکشی یکی از دوستان صمیمی خود را تجربه نماید. علاوه بر این اتفاق، اتفاق شاید رد محیط مدرسه بوده باشد؛ مثلا نزاع شدیدی با همکلاسی ها داشته و یا رد سر کلاس از جانب معلم یا همکلاسی ها به شدت احساس تحقیر و توهین کند که ناراحتی شدیدتر و میل به خودکشی را در نوجوانان دختر تشدید می کند (مهرابی و دارانی، ۱۳۹۲).

منابع:

- اکبری زرد خانه، سعید. شاه محمدی، خسرو. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش خشم و حل مسئله بر سلامت روان و سبک های تربیتی مربیان پیش دبستان. *مجله روان شناسی مدرسه*. شماره ۲. صص ۹۸-۱۷۳.
- اتکینسون، ر.ا؛ (۱۳۹۰). *زمینه روان شناسی هیلگارد*. محمد تقی براهنی و همکاران. تهران. انتشارات رشد.
- اسدی، بهمن؛ (۱۳۸۹). رابطه افسردگی با نگرش به سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان رشت. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن. سال اول. شماره ۲. صص ۲۰-۷.
- دهش، زیبا. (۱۳۸۸). تاثیر مشاوره تلفیقی رفتاری و هیجان محور بر کنترل عواطف در نوجوانان دختر شهر کشکوئیه رفسنجان. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت.
- ریو، مارشال. (۱۳۹۰). *انگیزش و هیجان*. یحیی سید محمدی، تهران. نشر ویرایش.



حسن زاده، مهدی؛ حبیبی کوهی، لاله؛ حفاظی، میترا. (۱۳۸۹). پیشگیری از خودکشی در کارکنان آموزش و پرورش. *انستیتو روانپزشکی تهران*.

طهماسیان، کارینه؛ آسیه، اناری. (۱۳۹۱). رابطه بین ابعاد خودکارآمدی و افسردگی در نوجوانان. *فصلنامه روان شناسی کاربردی*. سال ۳. شماره ۱. صص ۹۳-۸۳.

مهرابی، حسینعلی؛ شیخ دارایی، هما. (۱۳۹۲). نقش عوامل موثر در گرایش به خودکشی دانش آموزان دختر دوره متوسطه. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*. سال چهارم. شماره ۳. (پیاپی ۵۳). ۹۱-۱۰۰.

Crowell, S.E., Beauchaine, T.P.; Hsiao, R.C.; Vasiley, C.A.; Yaptangco, M. (2012). Differentiating Adolescent Self-Injury from Adolescent Depression: Possible Implications for Borderline Personality Development, *Journal of Abnormal Child Psychology*, 40(1): 45-57.

Leersnyder, J.D., Kim, H., Mesquita, B. (2015). Feeling right is feeling good: psychological well-being and emotional fit with culture in autonomy-versus relatedness – promoting situations. *Frontiers in psychology*. Vol 2. PP 1-12.

Lin, D.; Li, X.; Fan, X. & Fang, X. (2011). Child sexual abuse and its relationship with health risk behaviors among rural children and adolescents in Hunan, China, *Child Abuse & Neglect*, 35, (9) : 680-691.

Lin, D.; Li, X.; Fan, X. & Fang, X. (2011). Child sexual abuse and its relationship with health risk behaviors among rural children and adolescents in Hunan, China, *Child Abuse & Neglect*, 35, (9) : 680-691.

Moran, P., Coffey, C., Romaniuk, H., Olsson, C., Borschmann, R., Carlin, J., & Patton, G. (2011). The natural history of self-harm from adolescence to young adulthood: a population-based cohort study. *The Lancet*. Available online . (11)61141-0 .

Yang, S. (2012), A Life History of a Korean Adolescent Girl Who Attempted Suicide, *Death Studies*, 36, (3): 253-259.

Archive of SID